

بررسی تأثیر انواع سبک زندگی بر رفتار باروری زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر اهواز

دکتر حسین ملتفت^۱، دکتر عبدالرضا نواح^۲ و سارا رشیدی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۷

تاریخ وصول: ۹۷/۶/۲۸

چکیده:

این مقاله با هدف بررسی تأثیر انواع سبک زندگی بر رفتار باروری زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر اهواز انجام شده است. در این پژوهش از تئوری اقتصادی باروری گری بکر و تئوری نوگرایی استفاده شده است. حجم نمونه ۳۸۴ نفر شده است که به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده متناسب با حجم جمعیت آماری انتخاب شده است. از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، این مطالعه پیمایشی بوده و در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی و استنباطی از جمله ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که بین متغیر جمعیت‌شناختی سن و سبک زندگی سنتی با رفتار باروری رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما بین میزان تحصیلات و سبک زندگی مدرن با رفتار باروری رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد. از میان مؤلفه‌های سبک زندگی، بین مصرف فرهنگی با رفتار باروری رابطه‌ی معناداری وجود ندارد اما میان مصرف مادی با رفتار باروری رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد.

مفاهیم کلیدی: سبک زندگی مدرن، سبک زندگی سنتی، مصرف فرهنگی، مصرف مادی، رفتار باروری

^۱ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
moltafeth@gmail.com

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
dr.navah1338@gmail.com

^۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
sara.rashidi73@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

خانواده همواره یکی از نهادهای مهم اجتماعی بوده است و کارکرد فرزندآوری یکی از کارکردهای مهم خانواده است. باروری به منزله‌ی مهم‌ترین عامل تغییر در ساخت جمعیت موجب شده مطالعات مربوط به باروری و عوامل تأثیرگذارنده بر آن جایگاه ویژه‌ای را در مطالعات جمعیت‌شناختی به خود اختصاص دهد (Keshavarz & et.al, 2013). امروزه در پی فرایند شهرنشینی، توسعه‌یافتگی جوامع و گستردگی رسانه‌های جمعی و نهایتاً پدیده‌ی جهانی‌شدن در بسیاری از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه میزان مولید با توجه به نرخ باروری در سطح جایگزینی و حتی پایین‌تر از آن تنزل پیدا کرده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد امروزه تحولات باروری و تغییر در نگرش نسبت به فرزندآوری، برخلاف آنچه در گذشته تصور می‌شد، فقط ناشی از مسائل اقتصادی و هزینه‌های فرزندآوری نیست و در کنار این عامل، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز دخالت دارند (Bayangani & et.al, 2013).

به‌طور کلی باروری یکی از دو پدیده‌ی طبیعی جمعیت و عامل مهم نوسانات آن در مقیاس جهانی است. به دلیل نقش این پدیده‌ی طبیعی در افزایش جمعیت، همواره این موضوع از دیدگاه‌های متفاوت در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و عوامل مؤثر بر آن از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده است. بررسی دوره‌های مختلف تاریخی نشان می‌دهد تغییرات جمعیتی در ارتباط تنگاتنگ و نزدیک با تحولات اجتماعی و فرهنگی انجام گرفته است؛ بنابراین پرداختن به ابعاد فرهنگی، روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی در این کاهش بسیار سریع و چشمگیر باروری بسیار مهم است (Fazeli, 2003: 61).

ظهور جامعه‌ی مصرفی به واسطه‌ی فزونی کالاهای مادی از یک‌سو و دموکراتیزه شدن مصرف و عمومیت یافتن آن از سوی دیگر، به انتخابی شدن زندگی روزمره می‌انجامد و همین امر نشان‌دهنده‌ی اهمیت روزافزون سبک زندگی در جامعه‌ی معاصر است. سبک زندگی یکی از مفاهیمی است که در نیمه‌ی دوم قرن بیستم مورد توجه‌ی جدی و اقبال جامعه‌شناسان قرار گرفت. سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه‌ی رفتارها و فعالیت‌های هر فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادات و جهت‌گیری‌هاست، بنابراین نوعی وحدت دارد (Bayangani & et.al, 2013). اکنون خانواده در ایران در مرحله‌ای دشوار از حیات خود به سر می‌برد. این دشواری از آنجاست که به دلیل تغییر سبک زندگی، هنجارهای قدیمی تنظیم‌کننده خانواده، در

ازدواج و تنظیم مناسبات خویشاوندی دیگر پاسخگو نیستند و از سوی دیگر، رویه‌های نوپدید در عرصه‌ی مناسبات خانواده نیز آنچنان نهادینه نشده‌اند که به تولید هنجارهای انتظام‌بخش در جامعه منجر شوند. این سردرگمی در حفظ سنت‌ها و در عین حال، کشش به نوگرایی، به نوعی بحران در خانواده و در رابطه بین نظام خانواده و نظام عمومی جامعه تبدیل شده است که یکی از تبعات آن، کاهش فرزندآوری و گسستن هر چه بیشتر کانون خانواده است (Mohammad Pour & et.al, 2009).

خانواده هسته‌ی اصلی جامعه و از اولین اجتماعی است که فرد در آن به هویت خود پی می‌برد. این اجتماع کارکردهایی چون: اجتماعی کردن فرزندان، مراقبت از سالمندان و کودکان، ایجاد آرامش روحی و روانی در اعضا را بر عهده دارد، هر چند که از کارکردهای خانواده در جامعه‌ی امروز کاسته شده و اثرات گذشته خود را بر روی جامعه به‌طور کامل ندارد ولی باز هم خانواده یکی از کانون‌های اصلی و تأثیرگذار است.

در کنار کارکردهای ذکر شده برای خانواده، کارکرد فرزندآوری و باروری را می‌توان نام برد. این مفاهیم معنی صد در صد یکسانی را در جوامع مختلف ندارد با این وجود تکیه کلام و منظور اصلی در اینجا «باروری» است که برای بقا زندگی زناشویی و جامعه یک امر الزامی است. خانواده با به دنیا آوردن فرزند و مراقبت از آن‌ها و جامعه‌پذیر نمودن فرزندان، نخستین گام‌ها را برای به عهده گرفتن نقش‌های گوناگون در سایر گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها توسط فرزندان، برمی‌دارد (Aghajania and Rajabi, 2002: 43).

میزان باروری کل برای هر زن در سطح جهانی $3/04$ فرزند می‌باشد، اروپا با $1/59$ فرزند کمترین میزان باروری و آفریقا با $5/15$ فرزند برای هر زن بیشترین میزان باروری را دارا هستند. در آسیا میزان باروری کل برابر با $2/96$ فرزند برای هر زن می‌باشد. در بین کشورهای مختلف جهان یمن با $7/37$ فرزند برای هر زن بیشترین و هنگ‌کنگ با $1/21$ فرزند برای هر زن کمترین میزان باروری کل را دارا می‌باشد (Ziaie, 1993: 120).

در حال حاضر هرم سنی جمعیت ایران در حال انتقال از جوانی به سالخوردگی است. بدین ترتیب اگر نقطه‌ی شروع کاهش اساسی و مستمر باروری در ایران را سال 1365 در نظر بگیریم تا پایان ربع اول قرن پانزدهم هجری شمسی (1425)، ساختار جمعیت ایران ساختاری کاملاً سالخورده خواهد بود. در حالی که تا سال 1375 ، همواره کمتر از 5 درصد از کل جمعیت ایران در سنین بالاتر از 65 سال قرار داشته و هنگام نیل به سالخوردگی کامل جمعیت (دهه‌ی سوم قرن پانزدهم) نسبت درصد جمعیت 65 ساله به بالا به حدود 15 درصد رسیده و در واقع بیش از سه برابر خواهد شد.

بروز چنین تغییرات وسیعی موجب شد توجه بسیاری از پژوهشگران و سیاست‌گذاران بیش از پیش به مسئله‌ی باروری جلب شود و بخش وسیعی از ادبیات نظری و تجربی در بهداشت باروری، علوم اجتماعی و سایر رشته‌های مرتبط به این موضوع اختصاص یابد زیرا علاوه بر تأثیر باروری بر رشد جمعیت می‌تواند تأثیر در خور توجهی بر توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی منابع طبیعی داشته باشد؛ بنابراین ما در این پژوهش به دنبال بررسی این مسئله هستیم که وضعیت فرزندآوری در خانواده‌های شهر اهواز چگونه است؟ و سبک زندگی چه تأثیری بر رفتار باروری آنان دارد؟

جمعیت و مسائل مرتبط با آن به‌عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی ازجمله مسائلی است که بیشترین آرا را به دنبال دارد و دولت‌ها نیز برای حل این مسئله، سیاست‌های جمعیتی متعدد و متنوعی را در پیش می‌گیرند (Husseini, 2010:164). امروزه نیز در ایران، این مسئله مدتی است که موضوع بحث و اختلاف نظر سیاست‌گذاران است و همایش‌ها و جلسات مختلفی در این زمینه برگزار می‌شود؛ بنابراین، می‌توان گفت که مهم‌ترین عنصر در سیستم متغیرهای جمعیتی، باروری است و به خاطر اثرات سوپی که نوسانات جمعیت می‌تواند بر جامعه بر جای گذارد، ضروری می‌نماید، مطالعات بیشتر و دقیق‌تری در این حوزه انجام گیرد.

بنابراین پرداختن به جوانب گوناگون پدیده‌ی باروری و تبیین آن بر اساس عوامل مختلف، ضروری است و بی‌شک انجام این پژوهش‌ها و نتایج حاصل از آن می‌تواند به ترسیم هر چه بهتر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های جمعیتی نیز کمک قابل توجهی نماید.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

مطالعه‌ای با موضوع «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترجیح باروری زنان» انجام داده‌اند. روش پژوهش آن‌ها، از نوع پیمایشی بود و به منظور جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه‌ی ساخت‌یافته بهره گرفته شد. نمونه‌ی آماری این پژوهش شامل ۳۴۲ زن متأهل شاغل در سازمان‌های دولتی شهر کرمان بود که با شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نگرش منفی پاسخگویان نسبت به آینده‌ی جامعه بیشترین همبستگی را با ترجیح باروری دارد؛ پس از آن سهم فردگرایی، منفعت‌طلبی، نگرش نسبت به فرزند، خردگرایی و رضایتمندی زناشویی محاسبه شده است. متغیرهای میزان مطالعه، تحصیلات، درآمد و استفاده از رسانه به شکل غیر مستقیم

ترجیح باروری زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس یافته‌های این تحقیق مهم‌ترین عامل اثربخش بر ترجیح باروری زنان، نگرش منفی آن‌ها نسبت به آینده است که به شکل غیر مستقیم تحت تأثیر میزان درآمد، میزان استفاده از رسانه‌ها و میزان تحصیلات است (Mohammadi and Safari, 2017).

در تحقیقی به بررسی «تأثیر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزندآوری» در میان زوجین در آستانه‌ی ازدواج شهر تهران پرداختند. در این پژوهش که به روش پیمایش انجام گرفته است، ۴۰۰ زوج در آستانه‌ی ازدواج مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای طبقه‌ای انتخاب و با کمک ابزار پرسشنامه بررسی شدند. متغیرهای مستقل استفاده شده برای تبیین نگرش زوجین در آستانه‌ی ازدواج در مورد فرزندآوری عبارت‌اند از: اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه‌ی روابط اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، مصرف محصولات فرهنگی، سرمایه‌ی فرهنگی نهادی و سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته. تحلیل مدل رگرسیونی نشان داد متغیرهای بررسی شده حدود ۱۶ درصد از تغییرات نگرش در مورد فرزندآوری را تبیین می‌کنند. همچنین بر اساس تحلیل مسیر، در بین متغیرهای مورد بررسی مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر نگرش در مورد فرزندآوری، متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب بتای ۰/۳۲۹ بوده است و بعد از این متغیر، متغیرهای شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه‌ی فرهنگی نهادی و سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته به ترتیب بیشترین سهم را در نگرش زوجین شهر تهران در مورد فرزندآوری دارند؛ همچنین، متغیر مصرف محصولات فرهنگی به‌عنوان یک متغیر میان‌اثرگذار بر متغیر وابسته، بیشترین تأثیرپذیری را از سایر متغیرها داشته است (Kaveh Firouz & et.al, 2017).

در پژوهشی به بررسی «تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش به فرزندآوری» در میان زنان در آستانه‌ی ازدواج شهر تهران پرداختند. در این پژوهش با استفاده از تکنیک پرسشنامه، ۳۸۴ نفر از زنان شهر تهران بررسی شدند. طبق نتایج این تحقیق، ۸۳/۳ درصد زنان بررسی‌شده نگرش متوسط و ضعیفی به فرزندآوری و کارکردهای آن دارند؛ همچنین بین مؤلفه‌های سبک زندگی (مدیریت بدن، اوقات فراغت، مصرف فرهنگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) با نگرش به فرزندآوری رابطه‌ی معناداری وجود دارد و ۳۲ درصد از تغییرات نگرش به فرزندآوری با متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. بین مؤلفه‌های سبک زندگی، متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی قوی‌ترین متغیر پیش‌بین متغیر وابسته است و

بعد از آن مؤلفه‌ی مدیریت بدن بر نگرش زنان به فرزندآوری اثرگذار بوده است (*Kaveh & Firouz, 2016*).

در تحقیقی با عنوان «تحلیل بسترهای اجتماعی فرهنگی کاهش باروری در ایران» با استفاده از داده‌های سطح خرد سرشماری و پیمایش نمونه‌ای، نشان می‌دهد: فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، به‌عنوان مبنا و پایه رفتارهای انسانی، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای باروری دارند. وی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تعامل مجموعه‌ای از نیروهای ساختی - نهادی، معنایی و فرهنگی منجر به شکل‌گیری باروری زیر سطح جانشینی در ایران شده است. از این‌رو، افزایش باروری به بالاتر از سطح جانشینی، فرایندی چند بعدی و پیچیده‌ی سیاستی است که مستلزم اتخاذ و اجرای سیاست‌های پایدار خانواده محور و مرتبط با مطلوبیت یا تمایل به فرزندآوری، امکان یا آمادگی برای فرزندآوری و توانایی فرزندپروری است (*Sadeghi, 2016*).

به تحقیقی بر روی زنان متأهل کمتر از ۳۵ سال شهر اندیمشک پرداختند و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به فرزندآوری را با تأکید بر سبک زندگی مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین ترجیح جنسی و گرایش به فرزندآوری رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. بین پیروی از سنت‌ها، میزان تحصیلات، سبک زندگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با گرایش به فرزندآوری زنان رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد؛ اما بین مؤلفه‌های سبک زندگی (اوقات فراغت، مصرف کالای فرهنگی و مدیریت بدن) با گرایش به فرزندآوری زنان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد؛ همچنین نتایج این تحقیق گویای آن است که ۱۷/۳ درصد تغییرات میزان گرایش به فرزندآوری زنان به متغیرهای مستقل (سبک زندگی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، ترجیح جنسی و پیروی از سنت‌ها) مربوط می‌شود و متغیرهای ترجیح جنسی و پیروی از سنت‌ها تأثیر بیشتری در میزان فرزندآوری دارند (*Boroumand & Arjmand Siahposh, 2016*).

در پژوهشی به تحلیل رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری در بین دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین میزان استفاده از رسانه‌های خارجی و گرایش به فرزندآوری رابطه‌ی معنادار معکوسی وجود دارد، اما بین استفاده از رسانه‌های داخلی و گرایش به فرزندآوری رابطه‌ی معناداری مشاهده نشده است. بین سرمایه‌ی اجتماعی و سبک زندگی سنتی با گرایش به فرزندآوری رابطه‌ی معنادار مثبت و بین سبک زندگی مدرن و گرایش به

فرزندآوری رابطه‌ی معنادار معکوسی وجود دارد (Rasoolzadeh Aghdam & et.al, 2016).

ب) تحقیقات خارجی

Bernardy and Kelner (2014) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌های اجتماعی و باروری» نشان دادند همه‌ی سازوکارهای اجتماعی مانند حمایت اجتماعی، یادگیری اجتماعی و فشار اجتماعی بر باورها و هنجارهای افراد در مورد بچه‌دار شدن، بر درک آن‌ها درباره‌ی داشتن فرزند تأثیر می‌گذارد. تأثیر واقعی این سازوکارها بر سرعت باروری و مقدار آن، به ساختار متقابل اجتماعی بستگی دارد.

Ajzen & Klobas (2013) تحقیقی با عنوان «نیات باروری: رویکردی بر اساس نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده» انجام دادند. در این تحقیق با استفاده از نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده، از داده‌های تحقیقات پژوهشی که در کشورهای مختلف با این هدف انجام شده بود، استفاده و نتایج زیر حاصل شد: استفاده از این نظریه برای مطالعه‌ی تصمیمات مربوط به فرزندآوری مناسب است و بررسی عقاید رفتاری، هنجاری و کنترلی در مورد داشتن فرزند می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های زوجین مؤثر و مفید باشد.

McDonald (2013) به پژوهشی تحت عنوان «اصول اجتماعی جهت تبیین باروری پایین: برابری جنسیتی» پرداخته است. ایشان نتیجه می‌گیرد که باروری بین کشورهای مختلف تفاوت‌های معناداری با هم دارند، ولی در یک کشور تفاوت وجود ندارد. بالا بودن سطح برابری جنسیتی باعث بالا رفتن باروری می‌شود. مقایسه‌ی باروری در یک کشور هم نشان داد که بالا بودن برابری جنسیتی لزوماً به باروری بیشتر منجر نمی‌شود.

Anrudh K. Jain and John A. Ross (2012) در تحقیق خود با عنوان «تفاوت‌های باروری در کشورهای در حال توسعه» داده‌های مربوط به چهل کشور در حال توسعه که در دهه‌های اخیر برنامه‌های تنظیم خانواده اجرا کرده و شرایط اجتماعی آن‌ها بهبود یافته و کاهش باروری را تجربه کرده‌اند را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که: به‌طور متوسط میزان باروری در کشورهایی که تنظیمات اجتماعی بهتر بوده یا برنامه‌های تنظیم خانواده قوی‌تری داشته‌اند، کمتر بوده است. کمترین باروری مربوط به کشورهایی بوده است که هم تنظیمات اجتماعی بهتر و هم برنامه‌های تنظیم خانواده‌ی قوی‌تری داشته‌اند. همچنین یک رابطه‌ی مثبت بین باروری و مرگ‌ومیر کودک و رابطه‌ی منفی با تحصیلات زنان وجود داشته؛ ولی باروری هیچ ارتباطی با فقر نداشته است. در

نهایت اشاره کرده‌اند که نیمی از تفاوت موجود در باروری کشورها مربوط به دو عامل برنامه‌های تنظیم خانواده و تنظیمات اجتماعی است.

Alaka M. Basu & Sonalde B. Desai (2012) در تحقیقی تحت عنوان

«رؤیاهای طبقه متوسط: خانواده‌های تک‌فرزند هندی» به بررسی عواملی که منجر به اکتفا کردن خانواده‌های هندی به یک فرزند شده، پرداخته‌اند. در این تحقیق از یافته‌های پیمایش توسعه‌ی انسانی هند که در سال ۲۰۰۴-۲۰۰۵ انجام شده بود، استفاده شده است. محققین معتقدند با توجه به بالا بودن میزان باروری و تعداد فرزندان در خانواده‌های هندی، ولی خانواده‌هایی یافت می‌شوند که به یک فرزند اکتفا کرده‌اند، هر چند نسبت این خانواده‌ها در کل بسیار ناچیز است و به حدود ۵ درصد می‌رسد، ولی فهم ویژگی‌های این خانواده‌ها می‌تواند پنجره‌ی جدیدی بر روی مطالعات جمعیتی و انتقال باروری در هند باز کند؛ و اما خانواده‌هایی که به یک فرزند اکتفا کرده‌اند مربوط به طبقه‌ی متوسط شهری می‌باشند. محققین معتقدند که باروری پایین پاسخی به فرصت‌های جدید است تا پاسخی به موانع داخلی و خارجی که تحقیقات پیشین اذعان کرده‌اند. موانعی که باعث کم شدن تعداد فرزندان و باروری می‌شوند را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: ۱- فرزندان مانعی برای کار زنان بخصوص زنان کارمند بخش رسمی می‌باشند؛ ۲- فرزندآوری و فرزند پروری هزینه‌بر است و به تبع آن خانواده‌ها باید بین سبک زندگی بهتر و خانواده‌ی بزرگ‌تر یکی را انتخاب کنند؛ و ۳- مطالبات فرزندپروری آزادی‌های فردی را محدود می‌کنند و توانایی دستیابی به رشد فردی و لذت بردن از اوقات فراغت را کاهش می‌دهد.

چارچوب نظری پژوهش

تئوری‌های اقتصادی باروری

Gary Becker از صاحب‌نظران تئوری‌های اقتصادی باروری است. بکر بر این باور است که رفتار باروری خانواده‌ها متأثر از رفتار اقتصادی آن‌هاست. بدین صورت که خانواده‌ها همان‌طور که در مورد گزینش یک کالا تصمیم می‌گیرند در مورد داشتن فرزند اضافی نیز به ایجاد نوعی تعادل عقلایی در مورد ترجیحات و سلیقه‌های خود و ... اقدام می‌کنند. از این‌رو تصمیم آن‌ها را می‌توان برآیند دو عامل اصلی دانست:

- تصمیم‌گیری عقلایی بین راه‌حل‌های جایگزین
- در نظر داشتن قیمت سودمند فرزند

بکر بر این باور است که رفتارهای باروری یک زیربنای اقتصادی دارد، بدین معنی که رفتارهای اقتصادی انسان حرکت اصلی جامعه را دیکته می‌کند. وی همچنین یادآور می‌شود که دولت‌ها جهت اجرای سیاست‌های جمعیتی در جهت محدود کردن میزان موالید، می‌توانند از طریق عنوان کردن هزینه‌های متنوع نگهداری فرزند به ساکنان کشور خود در جهت کاهش موالید عمل نمایند (Syria, 2007: 27).

نظریه‌ی بکر بانفوذترین تبیین انتخاب عقلانی برای مطالعه‌ی شرایط اقتصادی و اجتماعی و رفتار باروری است. از نظر بکر، پدر و مادر مثل سایر کالاها، کودکان را ارزیابی می‌کنند. یکی از ارزش‌هایی که والدین قصد دارند در حد بالایی از آن برخوردار باشند، بیشینه کردن ثروت است. بر این اساس، والدینی که خواستار ثروت بیشتری هستند، والدین تحصیل‌کرده‌ای که رتبه‌ی شغلی آن‌ها بالا و هزینه‌ی فرصت‌هایشان نیز زیاد است و نیز والدینی که به دلیل برخورداری از درآمد بیشتر، دسترسی آسان‌تری به ابزارهای کنترل باروری دارند، خواستار فرزندان کمتر هستند و متقابلاً والدین کم‌درآمد، دارای مشاغل پایین و فاقد امکان دسترسی به روش‌های کنترل باروری، در عمل فرزندان بیشتری خواهند داشت (Mansourian & Khoshnevis, 2006:134).

تنوری نوگرایی

پدیده‌ی نوگرایی عبارت است از مجموعه‌ای از نظام ارزش‌ها و رفتارها که در جوامع کنونی گسترش و توان فراوان یافته است. نوگرایی به‌عنوان یک سازه‌ی بازدارنده، موجب کاهش آرزوی فرزندآوری است که در نتیجه از میزان باروری می‌کاهد. عامل جمعیت از پدیده‌های مهم عصر حاضر به حساب می‌آید که خود تا اندازه‌ای تحت تأثیر مدرنیسم یا تجدیدطلبی قرار گرفته است. زندگی پیچیده و پرتنوع عصر حاضر موجب شده که انتظارات و رفتارهای انسان تغییر کند و میزان رفاه‌طلبی بالا رود. این خصایص عموماً موجب شده که جمعیت از رشد و طبیعت خود بازایستد (Kazemi Souq, 2008:29).

برای پذیرش نوآوری و تغییر رفتار بر اساس آن، فرد باید توانمند باشد. به‌عبارت دیگر باور داشته باشد که تغییر رفتار در اختیار اوست نه کس دیگر؛ همه‌ی افراد جامعه چنین احساسی ندارند. در بسیاری از جوامع سنتی و پیشامدرن، مردم معتقدند که اختیار رفتارشان در دست خداوند یا خدایگان، یا به‌طور کلی سرنوشت، یا به‌گونه‌ای ملموس‌تر، اعضای مسن‌تر خانواده است. در چنین جوامعی به نوآوری احتمالاً به چشم مداخله‌ای

اهریمنی نگرسته می‌شود و آن را برنمی‌تابند؛ بنابراین اشاعه‌ی نوآوری نیازمند آن است که افراد باور کنند که عنان اختیار زندگی‌شان، تا اندازه‌ای دست خودشان است (Same).

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین سن و رفتار باروری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات و رفتار باروری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی مدرن و رفتار باروری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین سبک زندگی سنتی و رفتار باروری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین مصرف کالای فرهنگی و رفتار باروری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین مصرف مادی و رفتار باروری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر از نظر شیوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها پیمایشی است. جمعیت آماری کلیه‌ی زنان متأهل ۱۵-۴۹ ساله اهواز و واحد تحلیل فرد است و برای تعیین حجم نمونه، بر اساس فرمول تعیین حجم کوکران با خطای ۵ درصد نمونه‌ای ۳۸۴ نفری انتخاب شده است. شیوه‌ی نمونه‌گیری این تحقیق، نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده متناسب است که یکی از شیوه‌های نمونه‌گیری تصادفی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و برای ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

برای محاسبه‌ی پایایی گویه‌های پرسشنامه از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. طبق اطلاعات جدول ۱، ضرایب پایایی سؤالات مربوط به اوقات فراغت، مصرف فرهنگی و مصرف مادی در حد قابل قبولی بوده است.

جدول ۱: پایایی سؤالات مربوط به متغیرهای مورد بررسی

Table 1: Reliability of Questions Related to the Variables under Investigation

نام متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
Variable name	Cronbach's alpha coefficients
مصرف فرهنگی	81%
مصرف مادی	73%

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته

رفتار باروری: به عمل توالد و تناسل واقعی اطلاق می‌شود (Tamana, 2003). در این تحقیق برای سنجش مفهوم رفتار باروری از تعداد فرزندان زنده‌ای که یک زن به دنیا آورده است استفاده می‌شود.

سبک زندگی: به باور گیدنز، شیوه‌ی زندگی مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که فرد آن‌ها را بکار می‌گیرد چون نه تنها نیازهای جاری او را برآورده می‌سازند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازد (Giddens, Quoted in Khawaja Nouri & et al, 2011:35). در پژوهش حاضر، برای اندازه‌گیری این متغیر تمام گویه‌هایی که مربوط به سبک زندگی سنتی و مدرن بودند شناسایی و آن‌ها را کدگذاری مجدد کرده و دو متغیر جدید در SPSS اضافه کردیم (سبک زندگی مدرن و سبک زندگی سنتی) و برای وارد کردن نمره برای هر سؤال مشخص شد که کدام پاسخ‌ها نشان‌دهنده‌ی سبک زندگی مدرن و کدام سبک زندگی سنتی هستند. به‌عنوان مثال اگر کنسرت رفتن از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری شده و ملاک این باشد که هر چه فرد بیشتر به کنسرت می‌رود مدرن‌تر است پس گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را نشانه‌ی مدرن بودن و کم و خیلی کم را نشانه سنتی بودن گرفتیم و این متغیر را کدگذاری مجدد کردیم به این شکل که گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را کد ۰ به معنی مدرن و گزینه‌های کم و خیلی کم را کد ۱ به معنی سنتی تعریف کردیم؛ اما در خصوص برخی از گویه‌ها مانند مهمانی رفتن یا مهمانی دادن، گوش کردن به رادیو، گفتگوی تلفنی با دوستان و اقوام، زیارت، رفتن به مسجد، استفاده از موسیقی‌های سنتی، استفاده از فیلم‌ها و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و استفاده از لباس‌های متناسب با فرهنگ رسمی عکس کدگذاری فوق صورت گرفته است. بدین معنا که گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد کد ۱ به معنی سنتی و گزینه‌های کم و خیلی کم کد ۰ به معنی مدرن تعریف

شده است و در نهایت نمرات متغیرهای جدید را باهم جمع کرده و نمره‌ی سبک زندگی را به دست آوردیم.

در این تحقیق ابعاد سبک زندگی موارد زیر در نظر گرفته شده‌اند:

مصرف فرهنگی: یکی از شیوه‌های رایج برای هویت‌یابی و بازنمایی خویشتن، به‌ویژه در دوران معاصر، مصرف فرهنگی است. افراد در مصرف فرهنگی، انواع کالاها و نمادهای ارزشمند را، نه به دلیل ارزش مادی‌شان بلکه به دلیل ارزش فرهنگی آن‌ها، به منظور ایجاد تصاویری مطلوب از خویش در ذهن دیگران مصرف می‌کنند (Aazazi, 2012:7). در تحقیق حاضر، برای عملیاتی کردن متغیر مصرف فرهنگی از زنان مورد بررسی خواسته خواهد شد که با ۹ سؤال، مانند رفتن به سینما، تئاتر، کنسرت و موزه طبق طیف لیکرت، میزان توجه خود را به مصرف فرهنگی مشخص کنند.

مصرف مادی: رفتاری مصرفی است که در آن تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی و کالا و خدماتی می‌شود که عمدتاً نقش اقتصاد و پول برای دریافت و بهره‌مندی از آن‌ها بسیار بارز است. رفتاری که در آن مصرف کالاهای دارای ارزش اقتصادی و منزلتی مورد توجه است. در واقع استفاده از پوشش و کالاهای به اصطلاح مصرفی و گذران اوقات فراغت مبتنی بر تفریح و سرگرمی و اولویت‌های هزینه‌ای به غیر از مایحتاج زندگی و استفاده از کالاهای فرهنگی که از غنای کمتری برخوردارند و نیز نمایش کالاهای گران‌قیمت و تجملی که به‌عنوان نمادهای منزلت اجتماعی مطرح‌اند از مؤلفه‌های این نوع رفتارند (Mohammadi & Beckabadi, 2010: 116). در تحقیق حاضر، برای عملیاتی کردن متغیر مصرف مادی از زنان مورد بررسی خواسته خواهد شد که با ۱۲ سؤال، همچون میزان توجه به تناسب اندام، انتخاب لباس مطابق مد روز، آرایش موی سر مطابق مد روز، استفاده از لنزهای رنگی و ... طبق طیف لیکرت، میزان توجه خود را به مصرف مادی مشخص کنند.

یافته‌های توصیفی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۲۶/۷ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال قرار دارند. بیشتر زنان مورد بررسی دارای تحصیلات لیسانس و سپس فوق‌دیپلم هستند. بیش از نیمی از پاسخگویان غیر شاغل هستند و تنها ۲۷ درصد آن‌ها شاغل بودند. در خصوص انجام عمل‌های جراحی زیبایی و نوع آن‌ها، ۹۰ درصد از پاسخگویان عمل جراحی زیبایی نداشته‌اند و از ۱۰ درصد باقی‌مانده بیشترین فراوانی متعلق به عمل زیبایی بینی می‌باشد. در مورد تعداد فرزندان که به دنیا آورده‌اند، زنان دارای یک و دو فرزند به

ترتیب با ۳۴/۶ و ۳۵/۲ درصد، بیشترین فراوانی را در بین پاسخگویان داشتند. در مورد تعداد سقط‌هایی که داشته‌اند، بیشترین فراوانی متعلق به زنانی بود که یک سقط داشته‌اند که از کل پاسخگویان ۱۹/۵ درصد را شامل می‌شوند. در ارتباط با تعداد فرزندان که فوت شده‌اند، قریب به ۹۹ درصد از پاسخگویان فرزند فوت شده نداشته‌اند و مابقی بین یک تا سه فرزند خود را ازدست داده‌اند. در خصوص تعداد فرزندان دلخواه از نظر پاسخگویان، داشتن یک فرزند دختر با ۴۳/۲ و یک فرزند پسر با ۳۸/۵ درصد و بعدازآن داشتن دو فرزند دختر و دو فرزند پسر بیشترین فراوانی را داشته‌اند که همین امر در مورد همسران پاسخگویان نیز صادق است.

در مورد علت نداشتن فرزند نیز از ۱۱ درصد پاسخگویانی که فاقد فرزند بوده‌اند، ۴/۲ درصد مدت‌زمان کمی که از ازدواج آن‌ها می‌گذرد و ۳/۶ درصد از آن‌ها عدم تمایل به فرزندآوری را عنوان کرده‌اند و مابقی دلایلی چون مشکلات اقتصادی، عدم آمادگی، نداشتن شرایط مناسب و سن کم را ذکر نموده‌اند.

یافته‌های استنباطی

بررسی فرضیه‌ی اول: رابطه‌ی بین سن با باروری

در این بخش، فرضیه‌ی اول تحقیق یعنی رابطه‌ی میان سن و باروری زنان مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، برای آزمون ارتباط بین متغیر سن و باروری در سطح فاصله‌ای از کمیت آر پیرسون استفاده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون پیرسون در مورد رابطه‌ی میان سن و باروری

Table 2: Pearson Test Results on the Relationship between Age and Fertility

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	فرضیه
<i>The Correlation Coefficient</i>	<i>The Significance Level</i>	<i>Hypothesis</i>
0/590	0/000	سن و باروری

طبق نتایج به دست‌آمده در جدول سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی ۰/۵۹۰ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معناداری میان سن و باروری است و فرض H_1 تأیید می‌گردد. این رابطه در سطح ۹۹ درصد معنادار بوده و از آنجا که کمیت مورد نظر دارای

علامت مثبت می‌باشد، بین متغیر سن و باروری رابطه‌ی مستقیم وجود دارد؛ بنابراین نتیجه می‌شود که هر چه سن پاسخگویان بیشتر شده تعداد فرزند آن‌ها بیشتر شده است و هر اندازه سن پاسخگویان کمتر باشد، فرزندآوری آن‌ها کمتر خواهد بود.

بررسی فرضیه‌ی دوم: رابطه‌ی بین میزان تحصیلات با باروری

در این قسمت فرض بر این است که میان میزان تحصیلات زنان نمونه‌ی تحقیق و باروری رابطه وجود دارد؛ به این صورت که هر قدر بر میزان تحصیلات زنان افزوده می‌شود، باروری آن‌ها کمتر خواهد بود. بر این اساس، برای آزمون ارتباط بین میزان تحصیلات و باروری در سطح فاصله‌ای از آزمون آر پیرسون استفاده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون پیرسون در مورد رابطه‌ی میان میزان تحصیلات و باروری

Table 3: Pearson Test Results on the Relationship between Education and Fertility

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	فرضیه
<i>correlation coefficient</i>	<i>The significance level</i>	<i>Hypothesis</i>
-0/356	0/000	میزان تحصیلات و باروری

طبق نتایج جدول فوق سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی ۰/۳۵۶- نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری بین میزان تحصیلات و باروری وجود دارد و فرض H_1 تأیید می‌گردد. این رابطه در سطح ۹۹ درصد معنادار بوده و با توجه به علامت منفی ضریب همبستگی، بین متغیر میزان تحصیلات و باروری رابطه‌ی معکوس وجود دارد. بدین معنا که هر چه میزان تحصیلات پاسخگویان بیشتر بوده باروری آن‌ها کمتر خواهد بود و هر چه میزان تحصیلات پاسخگویان کمتر بوده، تعداد فرزندان آن‌ها بیشتر شده است.

بررسی فرضیه‌ی سوم: رابطه‌ی بین سبک زندگی مدرن با باروری

در این بخش فرض بر این است که میان سبک زندگی مدرن و باروری زنان رابطه وجود دارد؛ به نحوی که هر اندازه سبک زندگی افراد مدرن‌تر باشد، باروری آن‌ها کمتر خواهد بود. بر این اساس، برای آزمون ارتباط بین سبک زندگی مدرن و باروری در سطح فاصله‌ای از کمیت آر پیرسون استفاده شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون پیرسون در مورد رابطه‌ی میان سبک زندگی مدرن و باروری

Table 4: Pearson Test Results on the Relationship between Modern Life Style and Fertility

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	فرضیه
<i>correlation coefficient</i>	<i>The significance level</i>	<i>Hypothesis</i>
-0/119	0/020	سبک زندگی مدرن و باروری

بر اساس نتایج جدول فوق سطح معنی‌داری ۰/۰۲۰ و ضریب همبستگی ۰/۱۱۹- نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معناداری بین سبک زندگی مدرن و باروری است و فرض H_1 تأیید می‌گردد. این رابطه در سطح ۹۵ درصد معنادار بوده و از آنجا که کمیت مورد نظر دارای علامت منفی می‌باشد، بین متغیر سبک زندگی مدرن و باروری رابطه‌ی معکوس وجود دارد؛ بدین معنا که هر اندازه سبک زندگی افراد مدرن‌تر باشد، تعداد فرزندان آنان نیز کمتر شده است.

بررسی فرضیه‌ی چهارم: رابطه‌ی بین سبک زندگی سنتی با باروری

در این قسمت فرض بر این است که میان سبک زندگی سنتی و باروری زنان رابطه وجود دارد؛ به این صورت که هر اندازه سبک زندگی افراد سنتی‌تر باشد، باروری آنها بیشتر خواهد بود. بر این اساس، برای آزمون ارتباط بین سبک زندگی سنتی و باروری در سطح فاصله‌ای از آزمون آر پیرسون استفاده شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون پیرسون در مورد رابطه‌ی میان سبک زندگی سنتی و باروری

Table 5: Pearson Test Results on the Relationship between Traditional Lifestyle and Fertility

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	فرضیه
<i>Correlation Coefficient</i>	<i>The Significance Level</i>	<i>Hypothesis</i>
0/123	0/016	سبک زندگی سنتی و باروری

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معناداری ۰/۰۱۶ و ضریب همبستگی ۰/۱۲۳ نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری بین سبک زندگی سنتی و باروری وجود دارد و فرض H_1 تأیید می‌شود. این رابطه در سطح ۹۵ درصد معنادار بوده و با توجه به علامت

مثبت ضریب همبستگی، بین متغیر سبک زندگی سنتی و باروری رابطه‌ی مستقیم وجود دارد؛ بنابراین هر چه سبک زندگی افراد سنتی باشد، باروری آنان افزایش می‌یابد.

بررسی فرضیه‌ی پنجم: رابطه‌ی بین مصرف فرهنگی و باروری

در این قسمت فرض بر این است که میان مصرف فرهنگی و باروری زنان رابطه وجود دارد؛ به این صورت که هر قدر بر مصرف کالاهای فرهنگی افزوده شود، باروری آنها پایین‌تر خواهد بود. بر این اساس، برای آزمون ارتباط بین مصرف فرهنگی و باروری در سطح فاصله‌ای از آزمون آر پیرسون استفاده شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون پیرسون در مورد رابطه‌ی میان مصرف فرهنگی و باروری

Table 6: Pearson Test Results on the Relationship between Cultural Consumption and Fertility

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	فرضیه
<i>Correlation Coefficient</i>	<i>The Significance Level</i>	<i>Hypothesis</i>
0/14	0/785	مصرف فرهنگی و باروری

بر اساس نتایج جدول فوق سطح معنی‌داری ۰/۷۸۵ و ضریب همبستگی ۰/۱۴ نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری بین مصرف کالاهای فرهنگی و فرزندآوری وجود ندارد و فرض H_1 تأیید نمی‌شود.

بررسی فرضیه‌ی ششم: رابطه‌ی بین مصرف مادی با باروری

در این قسمت فرض بر این است که میان مصرف مادی و باروری زنان رابطه وجود دارد؛ به این صورت که هر اندازه بر مصرف مادی افزوده شود، باروری پایین‌تر خواهد بود. بر این اساس، برای آزمون ارتباط بین مصرف مادی و باروری در سطح فاصله‌ای از آزمون آر پیرسون استفاده شده است.

جدول ۷: نتایج آزمون پیرسون در مورد رابطه‌ی میان مصرف مادی و باروری

Table 7: Pearson Test Results on the Relationship between Material Consumption and Fertility

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	فرضیه
<i>correlation coefficient</i>	<i>The significance level</i>	<i>Hypothesis</i>
-0.275	0/000	مصرف مادی و باروری

با توجه به نتایج جدول فوق سطح معنی‌داری $0/000$ و ضریب همبستگی $-0/257$ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معناداری بین مصرف مادی و باروری است و فرض H_1 تأیید می‌گردد. این رابطه در سطح ۹۹ درصد معنادار بوده و از آنجا که کمیت مورد نظر دارای علامت منفی است، بین متغیر مصرف مادی و باروری رابطه‌ی معکوس وجود دارد؛ بنابراین نتیجه می‌شود که با افزایش مصرف مادی میزان باروری میان زنان کاهش یافته و با کاهش مصرف مادی، میزان باروری آن‌ها افزایش می‌یابد.

جدول ۸: نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

Table 8: Results from Multivariate Regression of Research Hypotheses

R^2	سطح معناداری	مقدار t	بتا	ضرایب استاندارد نشده		متغیرها
				اشتباه استاندارد	B	
The Coefficient of Determination	Significance Level	Value T	Beta	Not Standardized Coefficients		Variables
				Standard Error	Beta	
45/7	0/929	0/089		1/441	0/128	مقدار ثابت
	0/000	13/789	0/541	0/006	0/082	سن پاسخگو
	0/000	022.8-	-0/306	0/014	-0/113	میزان تحصیلات
	0/340	0/955	0/149	0/040	0/038	سبک زندگی مدرن
	0/590	0/539	0/084	0/039	0/021	سبک زندگی سنتی
	0/011	-2/567	-0/141	0/008	-0/021	مصرف مادی

R^2 نشان می‌دهد که با استفاده از متغیرهای مستقل وارد شده در معادله می‌توان ۴۵/۷ درصد از واریانس مربوط به رفتار باروری را تبیین کرد. همچنین مقادیر مربوط به وزن استاندارد () و غیراستاندارد (b) متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که مؤلفه‌های سن پاسخگو ($=0/541$)، میزان تحصیلات ($= -0/306$)، سبک زندگی مدرن ($=0/149$)، سبک زندگی سنتی ($=0/084$) و مصرف مادی ($= -0/141$) از پنج متغیر وارد شده، سه متغیر سن پاسخگو، میزان تحصیلات و مصرف مادی نقش معنی‌داری در پیش‌بینی رفتار باروری زنان شهر اهواز دارند و متغیرهای سن و میزان تحصیلات در پیش‌بینی رفتار باروری زنان شهر اهواز از اهمیت بالایی برخوردار هستند.

نتیجه‌گیری

مسأله‌ی جمعیت بنا بر دلایل اقتصادی و نظامی از دیرباز مورد توجه سیاست‌مداران، اندیشمندان و فلاسفه بوده است. دانشمندان کاهش افزایش جمعیت را محرک اصلی توسعه و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی تلقی می‌کردند. گاهی نیز کیفیت را به کمیت برتر دانسته و از افزایش جمعیت گریزان بودند، به هر حال همیشه هدف نهایی اصلی داشتن، جامعه‌ای مرفه و متعادل بوده است و دستیابی به این رفاه را گاه از طریق کاهش جمعیت و گاه از طریق افزایش جمعیت جستجو می‌کردند و بالاخره معتقد شدند که باید به حد متناسبی از جمعیت رسید که شرایط اقتصادی و اجتماعی، بالاترین رفاه ممکن را برای انسان فراهم آورد. در این پژوهش سعی شد تا رابطه‌ی بین سبک زندگی با متغیر وابسته فرزندآوری بررسی شود که در نهایت نتایج زیر به دست آمد؛

در بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق، فرضیه‌ی اول به بررسی رابطه‌ی بین سن و رفتار باروری می‌پردازد. نتایج نشان داد که بین سن و رفتار باروری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین‌گونه که هر چه سن پاسخگویان بیشتر باشد تعداد فرزند آن‌ها بیشتر شده است و هر اندازه سن پاسخگویان کمتر باشد، باروری آن‌ها کمتر خواهد بود. نتایج این پژوهش همسو با بررسی داوودی (۱۳۹۵) است.

فرضیه‌ی دوم این پژوهش به بررسی رابطه‌ی بین میزان تحصیلات پاسخگو و نقش آن در رفتار باروری زنان پرداخته است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد. بدین‌گونه که هر چه میزان تحصیلات زنان افزایش یابد، تمایل زنان نیز برای باروری کمتر است. همان‌گونه که کالدول بر آموزش همگانی و تحصیلات به‌عنوان عاملی مهم در کاهش باروری تأکید می‌کند، مشاهده می‌کنیم که با افزایش تحصیلات زوجین، از میزان باروری آن‌ها کاسته می‌شود. علت این امر آن است که زوجین تحصیل کرده و به‌ویژه زنان تحصیل کرده که معمولاً از فرصت‌های بیشتری برای فعالیت‌های آموزشی، شغلی و اجتماعی برخوردارند، به دلیل بالاتر بودن هزینه‌ی فرصت از دست رفته آن‌ها، تمایل کمتری به فرزندآوری دارند. همچنین تقابل بین کیفیت و کمیت فرزندان ایجاب می‌کند که خانواده‌ها خواهان سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه‌ی تحصیلات و دیگر مهارت‌های فرزندان خود باشند؛ بنابراین این مسئله نیز انگیزه‌ی باروری بالا را در آن‌ها بیشتر کاهش می‌دهد. نتیجه‌ی این فرضیه همسو با نتایج بررسی‌های برومند و ارجمند سیاه‌پوش (۱۳۹۵)، افشاری (۱۳۹۵)، قدرتی و همکاران

(۱۳۹۰)، آچاریا (۲۰۱۰)، آکمن (۲۰۰۲) و با نتایج بررسی گریستر و کاگینگ (۲۰۰۷) ناهمسو می‌باشد.

فرضیه‌ی سوم این تحقیق به بررسی رابطه‌ی بین سبک زندگی مدرن و رفتار باروری پرداخته است. با توجه به یافته‌های تحقیق، این فرضیه برای رفتار باروری زنان اهواز مورد تأیید قرار گرفت. بدین معنی که بین سبک زندگی مدرن و رفتار باروری رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد. با مدرن شدن سبک زندگی افراد، رفتار باروری آن‌ها تغییر کرده و تمایل آن‌ها برای باروری کاهش پیدا می‌کند. این نتایج همسو با بررسی‌های برومند و ارجمند سیاه‌پوش (۱۳۹۵) و رسول‌زاده اقدم (۱۳۹۵) می‌باشد.

فرضیه‌ی چهارم این پژوهش به بررسی رابطه‌ی بین سبک زندگی سنتی و رفتار باروری می‌پردازد. نتایج نشان داد که بین سبک زندگی سنتی و رفتار باروری زنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بدین معنا که سنتی بودن سبک زندگی افراد، بر افزایش میزان باروری زنان تأثیر داشته است. این نتایج همسو با نتایج بررسی‌های برومند ارجمند سیاه‌پوش (۱۳۹۵) و رسول‌زاده اقدم (۱۳۹۵) می‌باشد.

در فرضیه‌ی پنجم به بررسی رابطه‌ی بین مصرف فرهنگی و رفتار باروری پرداخته شده است. هر چه مصرف کالاهای فرهنگی در بین زنان بیشتر باشد، به مراتب رفتار باروری آن‌ها نیز تغییر می‌کند. نتایج بررسی بین این دو متغیر در پژوهش حاضر حاکی از آن است که بین مصرف فرهنگی و رفتار باروری رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. بدین صورت که مصرف بالا یا پایین کالاهای فرهنگی نتوانسته است تأثیر بر رفتار باروری زنان داشته باشد. این نتایج همسو با بررسی کاوه فیروز و همکاران (۱۳۹۵) و ناهمسو با بررسی برومند و ارجمند سیاه‌پوش (۱۳۹۵) می‌باشد.

فرضیه‌ی ششم به بررسی رابطه‌ی بین مصرف مادی و رفتار باروری می‌پردازد. با توجه به یافته‌های تحقیق، این فرضیه برای رفتار باروری زنان مورد تأیید قرار گرفت. بدین معنی که بین مصرف مادی و رفتار باروری رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد. با افزایش مصرف مادی زنان، رفتار باروری آن‌ها تغییر کرده و تمایل آن‌ها برای باروری کاهش پیدا می‌کند.

امروزه سبک زندگی به شیوه‌های عملکردی تبدیل شده است که هر فرد برمی‌گزیند تا روایتی خاص از زندگی و هویتش را به دیگران نشان دهد. سبک‌های زندگی باعث شکل دادن به رفتار افراد می‌شود. یکی از این رفتارهایی که سبک زندگی می‌تواند بر روی آن تأثیر بگذارد رفتار باروری زنان است. تأثیر سبک زندگی بر باروری زنان، در دنیایی که بیش

از هر زمان دیگر تحت تأثیر موج جدید جهانی شدن که نمودش در فیلم‌ها و به‌ویژه فیلم‌های هالیوودی مشخص است و داشتن تصویری مثبت از بدن را، به مهم‌ترین نگرانی و دل‌مشغولی زنان تبدیل کرده است که بیش از پیش آشکار است. به‌طوری که امروزه آنان بسیار بیشتر از هر زمان دیگر نگرانی نگران چاقی، نداشتن اندام موزون، بدشکل و مانند این‌ها هستند. این امر می‌تواند در نهایت به کاهش تعداد فرزندان و تأخیر در زمان فرزندآوری زنان منجر شود.

در جامعه‌ی ما فردگرایی در نتیجه‌ی تغییر سبک‌های زندگی افراد بسیار بیشتر از زمان‌های دیگر شده است. امروزه سبک‌های زندگی افراد در پی گسترش ارتباطات و جهانی شدن، تحولات بسیاری به خود دیده است و پدیده‌هایی چون توجه به بدن به‌طور جدی مطرح شده است که این امر در حوزه‌ی مطالعات دموگرافیک با خود پیامدهایی را به همراه دارد و گذار جمعیتی را سبب شده است. در چنین وضعیتی زنان دوست ندارند زود ازدواج کنند و خیلی زود هم صاحب فرزند شوند.

همچنین می‌توان گفت که با پیدایش نظریه‌های کنش متقابل و تأکید بر خود و ذهن به جای تأکید بر ساختارهای کلان، پدیده‌هایی مثل بدن و مدیریت آن در افراد بسیار بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین در چنین شرایطی، نظریه‌ی خود آیین‌سان کولی، انواع خود روزنبرگ و مدیریت تأثیرگذار گافمن قابل طرح است.

به این ترتیب، سبک‌های زندگی مدرن بعضاً حساسیت بیش از حد در مورد بدن و ظاهر آن و در نتیجه بروز مشکلاتی در بدن زنان مثل بی‌نظمی در تغذیه، کاهش اعتماد به نفس، لاغری، آسیب‌های بدنی و در عرصه‌ی فرزندآوری نیز، اجتناب از آن، به دلیل برهم خوردن تناسب اندام است؛ بنابراین زنان برای نیل به این امر، به مدیریت بدن می‌پردازند.

References:

Aghajanian, A., and M. Rajabi (2002). "The value of children and family growth in the countryside", Shiraz University: Department of Planning and Sociology. (Persian).

Arjmand Seahposh, I., Boroumand, N. (2016). "Investigation of Social and Cultural Factors Affecting Childbearing Tendency in Andimeshk City with Emphasis on Lifestyle (Case Study of Married Women Less Than 35 Years)", Journal of Sociological Studies of Youth, Sixth year, No. 21. (Persian).

Azazi, Sh. (2012). "Family Sociology with an Emphasis on the Role, Structure and Function of the Family in Contemporary Times", Tehran, Bijay, Eighth Edition. (Persian).

Ajzen, I. & Klobas, J. (2013). "Fertility intentions: An approach based on the theory of planned behavior", Demographic Research. Vol. 29, PP. 203-232.

Bayangani, B.; -Irاندust, S. F., Ahmadi, S. (2013). "Lifestyle from a Sociological Perspective", Journal of Cultural Engineering, Eighth Year, No. 77. (Persian).

Bourdieu, P. (1984). Distinction: A social critique if the Iudgement of taste, Routledje.

Bernardi, L. & Klarner, A. (2014). "Social networks and fertility", journal of population sciences, No. 30: 641-670.

Basu, A. M. & Sonalde B. Desai (2012). Middle class dreams: India is one-child families'; Paper presented at 27th Conference of International Union for the Scientific Study of Population (IUSSP), 2631 August, Bussan, Korea.

Fazli, M. (2003). "Consumption and lifestyle", Qom: honest morning. (Persian).

Fahi, S.; Vosoughi, M. and Salmani, G. (2014). "Investigating the Relationship between Using Virtual Social Networks and Youth Lifestyle (Case Study: Khalkhal Youth)", Sociology of Youth Studies, Vol. 4, Issue 13. (Persian).

Hosseini, H. (2010). "Women's Human Capital and Fertility Convergence in Asian Countries", Women in Development and Politics (Women's Research), Vol. 8, No. 2. (Persian).

Jain, Anrudh K. & and John A. Ross (2012). "Fertility Differences Among Developing Countries: are They Still Related to Family Planning Program Efforts and Social Settings?", *International Perspectives on Sexual and Reproductive Health*, Vol. 38, No. 1.15-22.

Khaje Nouri, B.; Rouhani, A., Hashemi, S. (2011). "Lifestyle and body management", *Quarterly Journal of Sociology of Women*, Second Year, No. 4. (Persian).

Keshavarz, H.; Haghghatian, M.; Tavassoli, Kh. (2013). "Investigating Factors Affecting the Distance Between Marriage and Childbearing", *Quarterly Journal of Applied Sociology*, No. 2. (Persian).

Kazemi Souq, M. H. (2008). "Study of factors affecting fertility decline in 20-50 year old women referring to Yasuj health centers", *Masters Degree in Demography*. Tehran: Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University. (Persian).

Kaveh Firouz, Z.; Zare, B.; Shamsuddin, H. (2016). "The Influence of Lifestyle Components on Attitudes to Childbearing (Case Study: Women on the Brink of Marriage in Tehran)", *Women in Development and Politics*, Vol. 14, No. 2. (Persian).

Kaveh Firouz, Z.; Zare, B. and S., Jahanbakhsh Ganjeh (2017). "The Influence of Social and Cultural Capital Components on Attitudes toward Childbearing (Case Study: Couples on the Brink of Marriage in Tehran)", *Social Studies and Research in Iran*, Vol. 6, No. 1. (Persian).

Mohammadi, N.; Safouri, B. (2017). "A Sociological Study of Factors Affecting Female Fertility Preference", *Journal of Cultural Education and the Family*, Eleventh Year, No. 36. (Persian).

Mohammadpour, A. (2009). "Tradition, Renovation, and Family, Studying Family Continuity and Change in Tribal Communities Using a Mixed Research Approach", *Women's Research*, Vol. 7, No. 4. (Persian).

Mansourian, M. K.; Calligrapher, A. (2006). "Sexual Preferences and Attitudes of Pregnant Women to Reproductive Behavior: A Case Study in Tehran", *Journal of Social Sciences and Humanities*, Shiraz University, Vol. 24, No. 2. (Persian).

Mohammadi, A.; Beckabadi, Gh. (2010). "Investigating lifestyle components and behavior patterns in blockbuster movies", Letter of Cultural Research, No. 43. (Persian).

McDonald, P. (2013). "Societal foundations for explaining low fertility: Gender equity", Demographic Research. Vol. 28, PP. 981-994.

Resoulzadeh Aghdam, S.; Afshar, S.; Adlipour, S.; Mirmohammadabad, S. A. (2016). "Analysis of Relationship between Social Capital and Lifestyle with Attitude toward Childbearing (Case Study: Students of Shahid Madani University of Azerbaijan)", Journal of Social Cultural Strategy, Fifth year, No. 20. (Persian).

Souri, A. (2007). "Investigating the Factors Affecting Fertility Behaviors (Case Study of 15-49 Years Old Wives in Tuyserkan)". Master's Degree in Demography, Tehran: Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University. (Persian).

Sadeghi, R. (2016). "Analysis of Social Cultural Backgrounds of Fertility Reduction in Iran", Journal of Social and Cultural Strategy, Fifth Year, No. 20. (Persian).

Temna, H. (2005). "Basics of demography", First edition, Payam Noor University Press. (Persian).

Ziai, L. (1993). "The Perspective of Population Growth in Iran and the World and Family Planning", Population Research Quarterly, No. 3, 4, pp. 120. (Persian).

The Effect of Different Lifestyles on the Fertility Behavior of 15-49 Years Old Women in Ahvaz

Hossein Moltafet (Ph.D)¹, Abdolreza Navah (Ph.D)²
Sara Rashidi³

DOI: 10.22055/qjsd.2019.27054.1783

Abstract:

The purpose of this study was to investigate the effect of lifestyle on fertility behavior of 15-49 years old women in Ahvaz. In this study, economic theory of pristine reproduction and modernity theory are used. The sample size was 384 people who were selected by stratified random sampling according to the statistical population size. In terms of data collection, this study is a survey and descriptive and inferential statistics such as Pearson correlation coefficient and multivariate regression analysis were used in data analysis. The results show that there is a positive and significant relationship between demographic variables of age and traditional lifestyle with fertility behavior, but there is a negative and significant relationship between education level and modern lifestyle with fertility behavior. Among lifestyle components, there is no significant relationship between cultural consumption and fertility behavior but there is a negative and significant relationship between material consumption and fertility behavior.

Key Concepts: Lifestyle, Cultural Consumption, Material Consumption, Childbearing Behavior

¹ Assistant Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author), moltafeth@gmail.com

² Associate Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, dr.navah1338@gmail.com

³ Master of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, sara.rashidi73@gmail.com



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).